نگاه

پوست‌اندازی بازار انرژی

تحولات بازار جهانی انرژی را نمی‌توان جدا از آنچه در خلیج همیشه فارس می‌گذرد، تحلیل کرد. چراکه ساختار توزیع قدرت در این بازار طی دهه‌های گذشته به‌گونه‌ای شکل گرفته است که جریان‌های مالی حاصل از فروش نفت، در نهایت به تقویت بنیان‌های اقتصادی غرب، به‌ویژه رژیم امریکا، منتهی می‌شود. این چرخه از طریق ابزارهایی مانند بازارهای مالی، اوراق قرضه و سرمایه‌گذاری‌های کلان بازتولید شده و نوعی وابستگی ساختاری میان تولیدکنندگان انرژی و مراکز مالی غرب ایجاد کرده است. با این حال، این نظم تثبیت‌شده، شکنندگی‌های عمیق دارد.

بحران مالی سال ۲۰۰۸ نقطه عطفی در این مسیر به شمار می‌رود. به طوری که کاهش جذابیت اوراق قرضه امریکا و افزایش رقابت اقتصادی از سوی قدرت‌های نوظهور، به‌ویژه چین، باعث شد که جریان سرمایه به‌تدریج از مسیرهای سنتی فاصله بگیرد. در این میان، رشد فناوری و تغییر الگوهای سرمایه‌گذاری، نقش تعیین‌کننده‌ای در بازتعریف مناسبات اقتصادی ایفا کرد. این روند، اگرچه به‌ظاهر ماهیتی اقتصادی داشت، در عمل پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترده‌ای را به همراه آورد.

همزمان با این تحولات، مداخلات نظامی غرب در مناطق مختلف، از جمله غرب آسیا، با هدف تثبیت نفوذ و کنترل منابع انرژی ادامه یافت و این مداخلات، اگرچه در کوتاه‌مدت برخی اهداف تاکتیکی را محقق ساخت، اما در بلندمدت به افزایش بی‌ثباتی و شکل‌گیری بازیگران جدید انجامید و در نهایت به کاهش تدریجی انحصار غرب بر بازار انرژی و افزایش نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای منجر شد.

تحولات سال ۲۰۲۲ و آغاز جنگ در اروپای شرقی، این روند را شتاب بخشید و تغییر مسیر صادرات انرژی، افزایش ناگهانی قیمت‌ها و بروز اختلال در زنجیره تأمین، نشان داد که بازار انرژی بیش از هر زمان دیگری به متغیرهای امنیتی وابسته شده است و طبعاً در چنین شرایطی، اهمیت گلوگاه‌های راهبردی مانند تنگه هرمز بیش از پیش آشکار شد.

تنگه هرمز یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انتقال انرژی در جهان به شمار می‌رود و بخش قابل توجهی از نفت و گاز جهان از این مسیر عبور می‌کند. بنابراین بدیهی است اختلال در آن، پیامدهای فوری و گسترده‌ای بر اقتصاد جهانی بر جای می‌گذارد و کما اینکه گذاشته و هر روز نیز بیشتر می‌شود. ویژگی منحصربه‌فرد این تنگه در آن است که جایگزین عملی و کوتاه‌مدتی برای آن وجود ندارد و مسیرهای جایگزین، نه از نظر ظرفیت و نه از نظر هزینه، توان رقابت با آن را ندارند و کنترل و مدیریت این گذرگاه، به‌طور طبیعی به عاملی تعیین‌کننده در معادلات قدرت تبدیل شده است.

تجاوز دشمن امریکایی-صهیونیستی به کشورمان که برخلاف تمام قواعد حقوقی و عرفی و عقلی صورت گرفت، منجر به تغییر سازوکار مدیریت تنگه هرمز شده است و طبیعی است کشورمان در دفاع مشروع از منافع خود، در چارچوب حقوق بین‌الملل قابل کوتاهی نمی‌کند و حفظ امنیت تنگه هرمز و جلوگیری از بی‌ثباتی نیز بخشی از این دفاع مشروع محسوب می‌شود. البته توان بازدارندگی ایران در این حوزه، صرفاً به ابزارهای نظامی محدود نمی‌شود، بلکه اشراف اطلاعاتی، تسلط بر محیط عملیاتی و توان مدیریت بحران، مجموعه‌ای از قابلیت‌هایی را شکل داده است که هرگونه اقدام خصمانه را با هزینه‌های سنگین مواجه می‌کند و مجموع این توانایی‌ها، معادلات طرف‌های مقابل را به‌طور اساسی تحت تأثیر قرار داده است.

یکی از نتایج جنگ‌افروزی «طبقه اپستین» در غرب آسیا، برجسته‌شدن اهمیت انرژی در معادلات جهانی، به‌ویژه در شرایط بحران، است و از طرفی کنترل مسیرهای انتقال، به عاملی کلیدی در تعیین قیمت‌ها تبدیل شده است. در این میان، نقش کشورمان به‌عنوان بازیگر تأثیرگذار، قابل انکار نیست. هرچند ظرفیت تولید نفت ایران در مقایسه با برخی تولیدکنندگان بزرگ محدودتر است، اما موقعیت ژئوپلیتیکی آن، امکان تأثیرگذاری غیرمستقیم بر بازار را فراهم می‌کند.

مدیریت هدفمند تنگه راهبردی هرمز خروجی تصمیم منطقی کشورمان است و در این چارچوب، دریافت هزینه ارائه خدمات امنیتی و ایجاد سازوکارهای نظارتی طبیعی و البته الزامی به شمار می‌رود و منبعی پایدار هم برای درآمدزایی کشورمان خواهد بود. چنین رویکردی، ضمن حفظ جایگاه راهبردی ایران، این امکان را فراهم می‌سازد که در صورت تداوم اقدامات خصمانه، از این اهرم به‌عنوان ابزار بازدارندگی استفاده شود.

به هر روی نظم پیشین بازار انرژی در حال تغییر بوده و وابستگی یک‌سویه به ساختارهای مالی غرب، جای خود را به الگوهای متنوع‌تری داده است. در این شرایط، کشورهایی که از موقعیت ژئوپلیتیکی و توانمندی‌های راهبردی برخوردار هستند، می‌توانند نقش پررنگ‌تری ایفا کنند. بنابراین کشورمان با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، می‌تواند ضمن آنکه از منافع خود دفاع می‌کند، در شکل‌دهی به نظم جدید نیز اثرگذار باشد. طبعاً این مسیر، با درک دقیق تحولات، پرهیز از تصمیمات هیجانی و اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر منافع بلندمدت در حال طی شدن است و دفاع مشروع در برابر تجاوز، با تدبیر و عقلانیت و جدیت پیگیری می‌شود.

خبر

تولید گوشت قرمز در کشور رشد کرد

افزایش تولید دام و بهبود شرایط مراتع در سال جاری، بازار گوشت قرمز را به ثبات رسانده و نگرانی‌ها درباره کمبود مواد غذایی را کاهش داده است. رشد ۲۵ درصدی تولید، کشتار بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار رأس دام در دو ماه اخیر و تأمین بیش از ۸۵ درصد نیاز از محل تولید داخلی، نشان می‌دهد که امنیت غذایی کشور در این بخش در وضعیت قابل قبولی قرار دارد.

بازار گوشت قرمز در سال جاری تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و مدیریتی، شرایط متفاوتی را تجربه می‌کند، به‌طوری که افزایش بارندگی‌ها، بهبود وضعیت مراتع و رشد زایش‌های فصلی، به‌ویژه در دام سبک، موجب شده است حجم تولید دام زنده نسبت به سال گذشته افزایش محسوسی پیدا کند. طی دو ماه گذشته بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار رأس دام در کشور کشتار شده که این رقم نسبت به دوره مشابه سال قبل افزایش داشته است. این رشد، به‌ویژه در تولید گوشت گوسفندی محسوس بوده و نقش مهمی در تأمین نیاز بازار ایفا کرده است. در نتیجه، سهم تولید داخلی در تأمین گوشت گرم به بیش از ۸۵ درصد رسیده که بیانگر تقویت ظرفیت‌های داخلی در این حوزه است. یکی از عوامل کلیدی در افزایش تولید، شرایط مناسب اقلیمی در سال جاری بوده است. بنابراین بارندگی‌های بهاره موجب تقویت پوشش گیاهی مراتع شده و امکان تغذیه طبیعی دام را فراهم کرده است. این موضوع، علاوه بر کاهش هزینه‌های تأمین نهاده‌های دامی، به افزایش نرخ زایش و بهبود وضعیت نگهداری دام کمک کرده است. پیک زایش‌های فصلی که عمدتاً در زمستان و بهار رخ می‌دهد، در سال جاری با شدت بیشتری همراه بوده و به افزایش جمعیت دام سبک انجامیده است. برآوردها نشان می‌دهد جمعیت دام سبک کشور به بیش از ۷۳ میلیون رأس رسیده که ظرفیت قابل توجهی برای تأمین نیاز داخلی ایجاد کرده است. در بخش دام سنگین نیز روند نگهداری و پرورش دام بهبود یافته و حجم عرضه در این بخش افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر، کاهش خروج دام از کشور نیز در افزایش عرضه داخلی نقش داشته است. در گذشته، بخشی از دام به‌صورت غیررسمی از چرخه داخلی خارج می‌شد، اما در شرایط فعلی این روند کاهش یافته و دام بیشتری در داخل کشور باقی مانده است. این موضوع، به‌ویژه در استان‌های دام‌خیز، به افزایش موجودی دام و تقویت عرضه در بازار منجر شده است. در حال حاضر، قیمت هر کیلوگرم دام زنده بره نر گوسفندی در بازه ۵۸۰ تا ۶۰۰ هزار تومان و دام سنگین در محدوده ۴۸۰ تا ۵۰۰ هزار تومان قرار دارد. این ارقام، در مقایسه با روندهای گذشته، از ثبات نسبی در بازار حکایت دارد و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که با تداوم شرایط فعلی، امکان کاهش بیشتر قیمت‌ها نیز وجود دارد.

گزارش یک

زینب زرین

بانک مرکزی راه سودسازی صوری بانک‌ها را محدود کرد

کاسبی بانک‌ها از جنگ «کمی سخت» شد!

دستورالعمل جدید بانک مرکزی، تقسیم سود ناشی از جهش نرخ ارز را ممنوع و بانک‌ها را مجبور می‌کند مسیر سودسازی غیرواقعی را محدود کنند

کشورمان درگیر یک جنگ ترکیبی است و برخی زالوها همچون نظام بانکی و صنعت خودرو بدون توجه به تحمیل فشار سنگین اقتصادی به مردم در حال کاسبی با جنگ هستند، البته مسئولان ذی‌ربط با نهی کردن و هشدار دادن و صدور بخشنامه درصدد اصلاح این روند هستند اما تاکنون نتیجه خاصی نداده است. مثلاً با وجود ادعاهای صمت، خودرو‌سازها مسیر کاسبی خودشان را می‌روند و نظام بانکی هم در این مسیر طی طریق می‌کند. البته مکیدن خون مردم از سوی نظام بانکی سابقه طولانی دارد و اخیراً پرده از یک بازی قدیمی در نظام بانکی کنار رفته است که در آن افزایش نرخ ارز به جای آنکه نشانه‌ای از فشار اقتصادی بر مردم باشد، به فرصتی برای ثبت سودهای کاغذی در ترازنامه بانک‌ها تبدیل می‌شد، یعنی در شرایطی که خانوارها زیر بار تورم ناشی از نوسانات ارزی قرار داشتند، برخی بانک‌ها از همین نوسانات، سودی غیرواقعی استخراج و میان سهامداران توزیع می‌کردند. اکنون با ابلاغ دستورالعمل جدید بانک مرکزی، این مسیر محدود شده است و بانک‌ها ناچار شده‌اند واقعیت‌های مالی خود را شفاف‌تر نشان دهند.

سال‌هاست که یکی از انتقادات جدی به نظام بانکی، فاصله میان سودهای اعلامی و واقعیت‌های اقتصادی آن است و بخشی از این شکاف، از محل «تسعیر ارز» شکل می‌گیرد که در آن دارایی‌های ارزی با نرخ‌های جدید ارزش‌گذاری و افزایش نرخ ارز، سودی ظاهری در صورت‌های مالی ایجاد می‌کند و جالب‌تر آنکه این سود، در بسیاری از موارد بدون آنکه به جریان نقدی واقعی تبدیل شود، به‌عنوان درآمد شناسایی و حتی میان سهامداران توزیع می‌شود.

در عمل، این رویه به معنای تبدیل یک شوک اقتصادی به منبع درآمد برای بانک‌هاست. در حالی که افزایش نرخ ارز به افزایش هزینه‌های تولید، رشد قیمت کالاها و کاهش قدرت خرید مردم منجر می‌شود، بخشی از شبکه بانکی از همین وضعیت به‌عنوان فرصت استفاده می‌کند و این فرصت‌طلبی در شرایط جنگی که اقتصاد ناپایدار است، نوعی کاسبی با جنگ است. این تضاد، یکی از نقاط حساس در ارزیابی عملکرد بانک‌ها به شمار می‌رود.

■ **پایان سودسازی از دارایی‌های بلوکه‌شده**

دستورالعمل جدید بانک مرکزی، یکی از مهم‌ترین مسیرهای این سودسازی را هدف قرار داده است و بر اساس ضوابط تازه، شناسایی سود ناشی از تسعیر ارز منوط به تأیید حسابرس درباره قابلیت دسترسی و نقدشوندگی دارایی‌ها شده است. این شرط، عملاً بخش قابل توجهی از سودهای پیشین را زیر سؤال می‌برد.

بسیاری از بانک‌ها دارای دارایی‌های ارزی در خارج از کشور هستند که به دلایل مختلف، از جمله محدودیت‌های ناشی از تحریم، امکان دسترسی فوری به آنها وجود ندارد. در گذشته، همین دارایی‌ها با نرخ‌های جدید ارز ارزش‌گذاری و سود ناشی از آن در صورت‌های مالی ثبت می‌شد. این در حالی است که چنین سودی، تا زمانی که به وجه نقد تبدیل نشود، اثری واقعی در توان مالی بانک ندارد.

اکنون با الزام به تأیید حسابرس، بانک‌ها دیگر نمی‌توانند صرفاً بر مبنای افزایش نرخ ارز، سود شناسایی کنند. این تغییر، به معنای نزدیک‌تر شدن صورت‌های مالی به واقعیت اقتصادی است. در عین حال، نشان می‌دهد که بخشی از سودهای اعلامی در سال‌های گذشته، بیش از آنکه حاصل فعالیت اقتصادی باشد، نتیجه تغییرات حسابداری بوده است.

■ **محدودیت در تقسیم سود و فشار بر بانک‌های ناتراز**

یکی دیگر از محورهای مهم این دستورالعمل، ممنوعیت تقسیم سود ناشی از تسعیر ارز است. بر این اساس، حتی در مواردی که سود ارزی به‌صورت واقعی شناسایی شود، امکان توزیع آن میان سهامداران وجود ندارد و این منابع باید در جهت تقویت سرمایه بانک به کار گرفته شود. بدیهی است این تصمیم، فشار قابل توجهی بر بانک‌های ناتراز وارد خواهد کرد؛ چراکه این دسته از بانک‌ها در سال‌های گذشته، بخشی از ضعف‌های ساختاری خود را با اتکا به همین سودهای ظاهری پوشش می‌دادند. اکنون با بسته شدن این مسیر، نیاز به اصلاح واقعی ترازنامه‌ها بیش از گذشته احساس می‌شود.

همچنین در این دستورالعمل تأکید شده است که اگر سود ناشی از تسعیر ارز بیش از ۵۰ درصد سود خالص یک بانک را تشکیل دهد، هرگونه افزایش سرمایه از این محل نیازمند حسابرسی ویژه خواهد بود. این بند نیز نشان می‌دهد حساسیت نسبت به استفاده از منابع غیرواقعی برای بهبود ظاهری وضعیت مالی وجود دارد. از سوی دیگر، تکلیف مطالبات ارزی معوق نیز مشخص شده است. مطالباتی که بیش از پنج سال از سررسید آنها گذشته و اقدام مؤثری برای وصول آنها انجام نشده، دیگر نباید در محاسبات سود و زیان لحاظ شوند. این اقدام به باور کارشناسان، یکی از مسیرهای پنهان‌سازی زیان در شبکه بانکی را مسدود می‌کند.

■ **یکسان‌سازی نرخ و بستن راه‌های دور زدن**

یکی دیگر از چالش‌های قدیمی در نظام بانکی، تعدد نرخ‌های مورد استفاده برای تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بود و امکان تفسیرهای متفاوت و حتی سوءاستفاده را فراهم می‌کرد. در دستورالعمل جدید، مبنای مشخصی برای این محاسبات تعیین شده است. به طوری که بر اساس ضوابط اعلام‌شده، از ابتدای سال ۱۴۰۵ نرخ خرید حواله در مرکز مبادله ارز و طلا به‌عنوان معیار اصلی در نظر گرفته خواهد شد.

انتظار می‌رود با این اقدامات گامی در جهت شفافیت و کاهش ابهام در صورت‌های مالی محسوب شود و با یکسان شدن مبنای محاسبه، امکان دستکاری ارقام و ارائه وضعیت غیرواقعی از وضعیت مالی کاهش یابد. با این حال، این نکته همچنان محل تردید است که آیا این اقدامات برای اصلاح کامل نظام بانکی کافی خواهد بود؟ بخش قابل توجهی از مشکلات، ریشه در ساختارهای عمیق‌تر دارد و ناترازی مزمن، بنگاه‌داری گسترده و وابستگی به درآمدهای غیرعملیاتی، از جمله مسائلی است که نیازمند اصلاحات جدی‌تر است. همچنین رفتار برخی بانک‌ها نشان می‌دهد که حتی در شرایط بحرانی نیز تلاش برای حفظ سودآوری ظاهری ادامه داشته و در نهایت به انتقال هزینه‌ها به اقتصاد و مردم منجر شده است، به طوری که افزایش نرخ سود، خلق نقدینگی و تشدید تورم، بخشی از پیامدهای این رفتارها به شمار می‌رود.

محدود شدن مسیرهای سودسازی غیرواقعی می‌تواند به شفافیت مالی کمک کند و فشار بر بانک‌ها برای بازگشت به فعالیت‌های واقعی به نفع اقتصاد و مردم تمام شود، اما بدون اصلاح ساختارهای عمیق‌تر، خطر بازتولید همین الگوها در قالب‌های جدید وجود دارد

بازگرداندن وام مسکن مستلزم یک وام دیگر است!

خبر

افزایش سقف وام ودیعه مسکن با هدف حمایت از مستأجران انجام شده است، اما محاسبات بازپرداخت نشان می‌دهد این تسهیلات با نرخ سود ۲۳ درصد، در عمل بار مالی سنگینی بر دوش خانوارها می‌گذارد. در تهران، وام ۳۶۵ میلیون تومانی با اقساط ماهانه بیش از ۱۰ میلیون تومان و سودی حدود ۲۴۹ میلیون تومان، عملاً بخش قابل توجهی از درآمد خانوارها را درگیر بازپرداخت می‌کند.

افزایش سقف وام ودیعه مسکن در سال ۱۴۰۵ قرار بود به‌عنوان اقدامی حمایتی برای کاهش فشار اجاره‌نشینی معرفی شود، اما جزئیات مالی این تسهیلات نشان می‌دهد نرخ سود ۲۳ درصدی در کنار دوره بازپرداخت پنج‌ساله، باعث شده است مجموع بازپرداخت وام در تهران به بیش از ۶۰۰ میلیون تومان برسد که تقریباً دو برابر اصل تسهیلات است. در چنین شرایطی، وام به‌جای آنکه نقش یک ابزار حمایتی برای تأمین سرپناه ایفا کند، به تعهد مالی بلندمدتی تبدیل می‌شود که بخش قابل توجهی از درآمد ماهانه خانوار را درگیر می‌کند. اقساط ماهانه حدود ۱۰ میلیون تومانی برای بسیاری از مستأجران، به‌ویژه در دهک‌های متوسط و پایین، فاصله‌ای جدی با توان پرداخت واقعی ایجاد می‌کند. این وضعیت در مراکز استان‌ها و شهرهای دیگر نیز با درجات متفاوتی تکرار می‌شود. هرچند رقم وام در این مناطق پایین‌تر است، اما نرخ سود ثابت، فشار بازپرداخت را همچنان سنگین نگه می‌دارد. بازار مسکن با رشد مداوم اجاره‌بها مواجه است و همین موضوع ضرورت حمایت از مستأجران را افزایش داده است. با این حال، طراحی تسهیلات فعلی نشان می‌دهد که ابزارهای مالی به‌کار گرفته‌شده، تناسب کافی با سطح درآمد خانوارها ندارند. چراکه در شرایطی که بخش قابل توجهی از مستأجران با کاهش قدرت خرید مواجه هستند، ورود به تعهدات بانکی با سود بالا، به‌جای کاهش فشار، می‌تواند به انتقال آن به آینده منجر شود. این موضوع به‌ویژه زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بازپرداخت ماهانه وام، بخش قابل توجهی از درآمد ثابت خانوار را مصرف می‌کند. از سوی دیگر، ساختار فعلی تسهیلات بیانگر آن است که بخش بانکی همچنان نقش پررنگی در تعریف سیاست‌های حمایتی دارد. در حالی که هدف اصلی باید کاهش فشار بر مستأجران باشد، نتیجه نهایی در بسیاری از موارد به افزایش بدهی خانوارها منتهی می‌شود. بنابراین آنچه به‌عنوان حمایت از مستأجران معرفی می‌شود، در عمل نیازمند ارزیابی دقیق‌تری است تا مشخص شود تا چه اندازه با واقعیت‌های معیشتی جامعه هم‌خوانی دارد و آیا می‌تواند به کاهش فشار مسکن منجر شود یا صرفاً شکل جدیدی از بدهی را ایجاد می‌کند.

۴۱ هزار واحد مسکونی مددجویان تکمیل می‌شود

کاهش هزینه‌های مسکن برای خانوارهای کم‌درآمد، امکان تخصیص منابع به سایر نیازهای ضروری را فراهم می‌سازد و در نهایت به بهبود کیفیت زندگی منجر می‌شود

خبر

روند تأمین مسکن برای خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی شتاب گرفته و با تحویل ۲۳ هزار و ۵۴۰ واحد مسکونی، اکنون ۴۱ هزار واحد دیگر نیز به مراحل پایانی ساخت نزدیک شده است. همزمان، برنامه‌ریزی برای احداث ۸ هزار واحد جدید و تخصیص کمک‌های بلاعوض تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان برای بهبود معیشت اقشار آسیب‌پذیر پیگیری می‌شود.

سیاست‌های حمایتی در حوزه رفاه اجتماعی به‌تدریج از رویکردهای مقطعی فاصله گرفته و به سمت برنامه‌های ساختاری و ماندگار حرکت کرده است. در این میان، تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد و افراد دارای معلولیت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان توانمندسازی اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای دارد، به‌گونه‌ای که طی یک دوره کوتاه، ۲۳ هزار و ۵۴۰ واحد مسکونی به بهره‌برداری رسیده و هم‌زمان ۴۱ هزار واحد دیگر در مراحل پیشرفته ساخت قرار گرفته است.

اهمیت تأمین مسکن برای این اقشار آنجاست که تأمین سرپناه، به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی ثبات اقتصادی خانوار، نقش مستقیمی در کاهش فقر، بهبود شاخص‌های رفاه و افزایش مشارکت اقتصادی دارد. بنابراین، هدایت منابع به سمت تقویت زیرساخت‌های معیشتی، از اهمیت دوچندان برخوردار است و افزایش عرضه مسکن برای اقشار هدف، علاوه بر تأمین نیازهای اولیه، آثار گسترده‌ای بر سایر بخش‌های اقتصادی دارد.

رونق ساخت‌وساز، به‌طور مستقیم به ایجاد اشتغال در بخش‌های مختلف منجر می‌شود و زنجیره‌ای از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی را فعال می‌کند. از سوی دیگر، کاهش هزینه‌های مسکن برای خانوارهای کم‌درآمد، امکان تخصیص منابع به سایر نیازهای ضروری را فراهم می‌سازد و در نهایت به بهبود کیفیت زندگی منجر می‌شود.

در چارچوب برنامه‌های جدید، احداث ۸ هزار واحد مسکونی دیگر در دستور کار قرار گرفته و برای هر واحد، کمک‌های بلاعوض و تسهیلاتی در بازه ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان پیش‌بینی شده است. تمرکز بر خانوارهای دارای چند معلول و خانواده‌های دارای چندقلو، نشان‌دهنده جهت‌گیری دقیق سیاست‌ها به سمت گروه‌هایی است که بیشترین فشار معیشتی را تحمل می‌کنند.

از طرفی توسعه مسکن حمایتی، در کنار برنامه‌های اشتغال‌زایی، می‌تواند به شکل‌گیری یک چرخه پایدار از توانمندسازی اقتصادی منجر شود. دسترسی به مسکن پایدار، زمینه‌ساز افزایش امنیت روانی و اجتماعی است و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را برای خانوارها فراهم می‌کند. این موضوع، در نهایت به افزایش بهره‌وری نیروی کار و تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور منجر می‌شود.

همچنین باید توجه داشت موفقیت در حوزه رفاه اجتماعی، نیازمند هماهنگی میان بخش‌های مختلف سیاست‌گذاری است؛ چراکه تأمین مسکن، زمانی به نتایج مطلوب می‌رسد که با توسعه اشتغال پایدار، گسترش خدمات توانبخشی و تقویت حمایت‌های اجتماعی همراه شود. ضمناً توجه به ابعاد مختلف زندگی خانوارهای تحت پوشش، از جمله آموزش، سلامت و اشتغال، نشان می‌دهد که رویکردی جامع در حال شکل‌گیری است و این اقدامات، در مجموع به ایجاد یک شبکه حمایتی منسجم منجر می‌شود که توان مقابله با شوک‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد. با ادامه این سیاست‌ها، می‌توان انتظار داشت که بخش قابل توجهی از نیاز مسکن اقشار هدف تأمین شود و در کنار سایر برنامه‌های اقتصادی، به تقویت پایه‌های توسعه پایدار کمک و مسیر حرکت به سمت عدالت اجتماعی را هموار کند.

آگهی مناقصه عمومی
نوبت اول
سازمان منطقه آزاد ارس ARAS FREE ZONE

مناقصه عمومی یک مرحله ای خدمات عمومی رفت و روب ، تنظیف و رسیدگی به سرویسهای بهداشتی ، جمع آوری زباله ، نمک پاشی ، رفع آبگرفتگی و.... ناحیه دو

سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir شناسه فراخوان ۲۰۰۵۰۰۰۰۹۰۰۰۰۰۳

اطلاعات بیشتر: arasfz.ir

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۵

فراخوان شرایط مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی "ارائه خدمات امن سازی و مقاوم سازی شبکه و تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری وزارت امور اقتصادی و دارایی"

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی

وزارت امور اقتصادی و دارایی در نظر دارد مناقصه فوق را به شماره فراخوان (۲۰۰۵۰۰۰۰۹۰۰۰۰۰۳) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه از ساعت ۱۸:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۹ می‌باشد.

** مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه: تا ساعت ۱۹:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۵

** مهلت تحویل ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار (پاکت الف) مناقصه به صورت فیزیکی: تا ساعت ۱۵:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۹

** مهلت زمانی ارائه پیشنهاد و پاکات (الف، ب، ج) در سامانه ستاد: تا ساعت ۱۹:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۹

** جلسه توجیهی: روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۶ ساعت ۱۰:۰۰ واقع در سالن نور طبقه چهارم - وزارت امور اقتصادی و دارائی.

** زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۰۹:۰۰ روز چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۲/۳۰

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی می باشد:

۱) جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص مناقصه و ارائه ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار (پاکت الف): آدرس تهران - میدان امام خمینی - انتهای خیابان باب همایون - ساختمان مرکزی وزارت امور اقتصادی و دارایی - درب دو شمالی - اداره کل امور رفاهی و پشتیبانی و تلفن ۳۹۹۰۴۰۴۷ - ۳۹۹۰۲۹۶۵

۲) علاقمندان به شرکت در مناقصه می‌بایست جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) با شماره ۱۴۵۶-۰۲۱ داخلی (۹الی ۱) تماس حاصل نمایند و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

م.الف:۳۴۴

شناسه آگهی: ۲۱۷۰۷۷۶